

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

پژوهشنامه علوم دفاعی، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۲

ص ص ۴۹ تا ۸۱

واکاوی مولفه‌های ادبیات پایداری در خاطره‌نگاشته «دا»

یحیی حسینیانی^۱، مسلم احمدی^۲

چکیده

ماندگارترین آثار ادبی با مقوله جنگ و مقاومت در ارتباط است. ادب پایداری در حوزه ادبیات فارسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این ادبیات به آثاری اطلاق می‌شود که با هدف ایجاد روحیه ایثار و مقاومت، دفاع از مرز و بوم، برانگیختن بیداری ملی و ایجاد وحدت و همدلی در جامعه به وجود می‌آید. در این حوزه شاعران و نویسندگان بی‌شماری به تناسب موقعیت و میزان شناختشان از فضای جنگ، آثاری را خلق کرده‌اند. بررسی و مطالعه ادبیات دفاع مقدس نشان می‌دهد که این حوزه، نیازمند نگرشی جامع به تمامی ابعاد زندگی مردم و قابل تطبیق با حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، دفاعی و اقتصادی است. بسیاری از پژوهش‌ها در این زمینه، کلیشه‌ای و بدون توجه به شرایط دوران کنونی نگاشته شده است. در این تحقیق بر آنیم تا با استفاده از روش «داده بنیاد» مفاهیم و مؤلفه‌های مرتبط با موضوع مقاومت و پایداری در کتاب «دا» را استخراج و دسته‌بندی کنیم. در پایان این فرایند، با مقایسه و سنجش داده‌ها، و برقراری ارتباط میان مفاهیم، ۳۳ مفهوم در قالب ۶ مؤلفه طراحی و تنظیم گردید.

واژگان کلیدی: ادبیات پایداری، داستان، کتاب دا، روش داده بنیاد، مقاومت.

۱. (*نویسنده مسئول): استادیار گروه دروس عمومی، دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران

ایمیل: hosseinaiyahya@yahoo.com

۲. استادیار گروه دروس عمومی، دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران.

مقدمه

ادبیات پایداری در دوره معاصر از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ادب پایداری، آیینۀ دردها، رنج‌ها و مصیبت‌های مردم و بیانگر درد و رنج‌هایی است که در برهه‌های تاریخی بر ملت‌ها یا بخشی از آنها می‌گذرد؛ در حقیقت «ادبیات پایداری به مخاطبانش می‌آموزد چگونه باید در برابر نظام‌های سلطه‌گر دفاع و ایستادگی کرد.» (بصری، ۱۳۷۶: ۲۰؛ به نقل از محمدیان، ۱۳۹۵: ۱۹۷) «ادبیات دفاع مقدس آیینۀ تمام‌نمایی است برای نشان دادن تجربه‌ها و آرمان‌های ملتی که هشت سال با عظمت، ایمان و شهامت در مقابل شرورترین جنایتکاران تاریخ ایستادگی کردند.» (سلیمانی، ۱۳۷۷: ۲۴۴)

یکی از وظایف اصلی ادبیات، شناسایی و طبقه‌بندی شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی است که در اندیشه و باور شاعران و نویسندگان متبلور شده است. مفاهیم و آموزه‌های ارزشمند موجود در آثار ادبی برای ارتقای سطح زندگی، کسب رضایت‌مندی و در مجموع رشد و تعالی انسان نگاشته شده است. بازتاب باورها، اندیشه‌ها، اهداف و آرزوهای مردم را باید در ادبیات آن دوره واکاوی و بررسی کرد. ادبیات با درک بهتر از زندگی، محدوده شناختمان را گسترش می‌دهد؛ همچنین راهی را به ما نشان می‌دهد تا بتوانیم در پرتو آن، زندگی بهتری داشته باشیم. این آثار به اقتضای زمان و مکان و در شرایط متفاوت فرهنگی و اجتماعی در گونه‌های مختلفی نگاشته می‌شود. یکی از این گونه‌ها، «ادبیات داستانی» است. ادبیات داستانی، بیانگر ترتیب توالی رویدادهای تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که به صورت واقعی یا ساختگی، بخشی از زندگی اشخاص را در برهه‌ای از زمان ترسیم می‌کند.

در این تحقیق قصد داریم از منظر ادبی و با نگاهی به ادبیات داستانی به موضوع جنگ و علوم دفاعی بپردازیم. متن‌های ادبی تکیه‌گاه اندیشه‌ها، تجربیات، رنج‌ها و احساسات بشری هستند. «یکی از مهمترین آثاری که وحشت و مصیبت جنگ را بعد از گذشت ۳۰ سال به خوبی نشان می‌دهد و تمامی اقشار جامعه را با واقعیت جنگ آشنا می‌کند، کتاب دا است.» (رحیمی، ۱۳۹۱: ۸). «کتاب دا، خاطره‌نویسته‌ای سنجیده، روشمند با ساختاری

رمان گونه است که به زبانی طبیعی و با لحنی جذاب و ساده به توصیف رویدادها می پردازد. با توجه به متن داستان، بیشترین عبارت ها و جملات، مربوط به رفتار و منش راوی می باشد و «جنبه های برون گرایانه در آن نمود آشکارتری دارد.» (ایروانی، ۱۳۹۵: ۴۸)؛ از این رو مفاهیم و مضامین ارزشمند به بهترین و ملموس ترین شکل قابل استخراج و طبقه بندی است.

در حوزه دفاع مقدس و تولید آثار مرتبط با ادبیات پایداری ضعف های بی شماری وجود دارد: وجود الگوهای محدود و تکراری؛ ساخت ماجراها و داستان های کلیشه ای و یکنواخت؛ تولید آثاری به شکل سفارشی؛ ترویج برخی از الگوهای رفتاری رزمندگان در جهت اهداف تبلیغاتی؛ انتقادهای و غرض ورزی های افراطی و متعصبانه؛ ایجاد جناح بندی های نظامی بین ارتش و سپاه و مواردی از این قبیل، چهره حقیقی ادبیات دفاع مقدس را مخدوش کرده است؛ لذا نگرش جامع و بی طرفانه به ادبیات جنگ، همچنین توجه ویژه به نقش آموزندگی مؤلفه های جنگ در عرصه زندگی، اهمیت و ضرورت این موضوع را دو چندان می سازد. در سال های اخیر برخی از پژوهشگران تحقیقات ارزشمندی را در زمینه ادبیات پایداری انجام داده اند؛ اما به نظر می رسد برخی از مسائل اساسی این حوزه مغفول مانده و نیازمند توجه بیشتری است. در ادامه به برخی از این چالش ها و مسائل اشاره می شود:

۱- «مؤلفه های ادبیات پایداری به فراخور موقعیتی که سبب خلق آنها بوده یا جامعه و کشوری که در آن شکل گرفته، می توانند مؤلفه های دیگری هم داشته باشند.» (چهرقانی، ۱۳۹۶: ۲۲)؛ از این رو در دوران مشروطه، حکومت پهلوی، دوره آغاز جنگ تحمیلی، در طول جنگ و پس از خاتمه جنگ، مؤلفه های گوناگونی برای ادبیات پایداری شکل گرفته است. این نکته، ضرورت تحلیل و واکاوی سایر آثار و گونه های ادبی در این حوزه را بیشتر آشکار می کند.

۲- یکی از مهمترین چالش های ادبیات پایداری که مانع رشد آن در داخل و خارج کشور می شود، استفاده نکردن از روش های کیفی جدید و «فقدان نظریه پردازی در این حوزه

است.» (چهرقانی، ۱۳۹۶: ۲۲)

۳- سالانه داستان‌های متعدد و متنوعی به خوانندگان عرضه می‌شود؛ سبک نگارش داستان و سیر توالی مطالب این امکان را به نویسنده یا راوی نمی‌دهد که بتواند، آموزه‌ها و مفاهیم ارزشمند اثر را در قالب یک الگوی مشخص و شفاف به مخاطبان و علاقه‌مندان عرضه نماید؛ لذا باید ساز و کاری فراهم شود تا بتوان مفاهیم موجود در متن داستان را به درستی استخراج و به بهترین نحو از آنها استفاده کرد.

امروزه نگرستن به ادبیات تنها از منظر زیباشناختی، نگرش سطحی و ساده‌انگارانه تلقی می‌شود. این تحقیق با هدف انسجام بخشیدن به اندیشه‌ها و عقاید راوی داستان و شناسایی مفاهیم ادبیات پایداری در کتاب «دا» تهیه شده است. سوال اینجاست که ادبیات پایداری چه کارکردهایی در زندگی امروز دارد؟ آیا داستان‌ها می‌توانند پاسخگوی نیازهای علوم دفاعی دوران معاصر باشند؟ در این مقاله متن کامل کتاب «دا»، بدون هیچ‌گونه تعصب، جانبداری و پیش‌فرض، مطالعه و داده‌های حاصل در قالب مفاهیمی طبقه‌بندی شد. هدف غایی این پژوهش، شناسایی مفاهیم ادبیات پایداری در کتاب «دا» است؛ لذا در این تحقیق قصد داریم مفاهیم مرتبط را از منظر یکی از آثار دفاع مقدس مورد بررسی قرار دهیم. بر انگیختن روح بیداری در دل مردم؛ آشنا کردن مخاطبان و نسل جوان با پیام اصلی ادبیات؛ ایجاد وحدت و همدلی در میان جامعه؛ ترسیم الگوی ایثار و مقاومت برای نسل کنونی؛ ایجاد روحیه مبارزه و مقاومت در بین مردم از جمله اهداف دیگر این پژوهش است.

مبانی نظری تحقیق

اصطلاح «ادبیات پایداری» را اولین بار، غسان کنفانی فلسطینی بر مجموعه‌ای از اشعار خود و دیگر شاعران معاصر گذاشت.» (محسنی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۶). ادبیات پایداری از دوره مشروطه در قلمرو زبان فارسی ظهور یافت. اساس و بنیان ادبیات مقاومت در دوره پهلوی اول و دوم نیز از ادبیات مشروطه سرچشمه گرفت. در آستانه انقلاب اسلامی و تحت تأثیر قیام مردم علیه رژیم پهلوی و مبارزات امام خمینی (ره) به اوج رسید و با آغاز جنگ

تحمیلی با شکل و شمایل دیگری ادامه یافت. دگرگونی زندگی مردم بر اثر جنگ، مسائل تازه‌ای را در دستور کار ادبیات قرار داد. فضای پس از جنگ و آرامش حاصل از آن، فرصتی را برای نویسندگان فراهم کرد تا در این حوزه به فعالیت بپردازند. با عنایت به ماهیت دینی انقلاب اسلامی، یکی از مؤلفه‌های اساسی ادبیات پایداری، حضور اندیشه‌های دینی، خدا باوری و ایمان و اعتقادات راسخ مردم است. اما نباید فراموش کرد که دوران دفاع مقدس، بسیاری از فضیلت‌های انسانی را در گفتار، رفتار و اندیشه شیر زنان و دلاور مردان منعکس کرده است؛ فضیلت‌هایی که با تکیه بر پشتوانه‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی و در قالب‌ها و گونه‌های گوناگونی تجلی یافته است. شایان ذکر است که «در ادبیات دفاع مقدس، شاهد تلفیق حماسه دینی و تاریخی با حماسه جنگ هشت ساله هستیم.» (خضرزاده، ۱۳۹۱: ۳۹). «خاطره‌نویسی یکی از انواع ادبی و شکلی از نوشتار است که در آن نویسنده، خاطرات خود را، یعنی صحنه‌ها یا وقایعی که در زندگیش روی داده و در آنها نقش داشته یا بیننده آنها بوده، بازگو می‌کند.» (دهقان، ۱۳۸۶: ۱۳۷). به‌طور کلی خاطره‌نگاشته عبارتست از حوادث، رویدادها و سیر عادی زندگی روزمره که با گذشت زمان در قسمتی از ذهن جای گرفته است. «از آنجا که همه داشته‌ها و انباشته‌های ذهنی، ماندگاری و اعتبار یکسانی ندارند، بسیاری از آموخته‌ها و یافته‌های حصولی، رفته‌رفته کم رنگ می‌شوند؛ اما خاطره‌ها چون حاصل بازتاب دیده‌ها، گفته‌ها، شنیده‌ها و نتیجه تجربی حضوری و زیست علمی و تعلق باطنی بشرند، به آسانی از یاد نمی‌روند.» (خضرزاده، ۱۳۹۱: ۵۵). از منظر نوع ادبی خاطره‌نویسی، خاطره‌نوشته «دا» خاطره‌ای دیگر نگاشته محسوب می‌گردد؛ یعنی راوی صاحب خاطره است، اما نویسنده و تدوینگر خاطرات، شخص دیگری به نام سیده اعظم حسینی است.» (ایروانی، ۱۳۹۵: ۴۰). کتاب دا، روایت متفاوت از جنگ را در زبان دختری ۱۷ ساله با کلامی ساده و صمیمی بیان می‌کند. این کتاب «ترسیم‌کننده یک ساختار با محوریت زنان است، بدون آنکه در گرداب انواع «فمنیسم» گرفتار آید.» (عزیزی، ۱۳۸۸؛ به نقل از محمد علی‌پور، ۱۳۹۱: ۲). نثر جذاب و عاطفی و ارتباط منطقی رویدادها، حس هم‌ذات‌پنداری، باورپذیری و عینیت‌بخشی را به بالاترین سطح می‌رساند. خاطره‌نگاشته دا در ۴۰ فصل تنظیم شده است و مطالب آن در

سه بخش تقسیم می‌شود: وقایع قبل از جنگ، خاطرات و حوادث در حین جنگ و وقایع پس از مجروحیت.

سیده زهرا حسینی، دختری ۱۷ ساله‌ای است که به همراه خانواده‌اش در محله‌ای نزدیک قبرستان خرمشهر زندگی می‌کند. آغاز جنگ تحمیلی در روز ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹، زندگی او را دست‌خوش تغییر می‌سازد. سیده زهرا، دختری است با ایمان، فداکار، صبور، جسور، مسئولیت‌پذیر و با روحیه‌ای عجیب که تحت تأثیر تربیت خانوادگی رشد کرده است. او نیز مانند پدر و برادر بزرگ‌ترش می‌خواهد مفید باشد و به مردم کمک کند. سیده زهرا در بدترین شرایط روحی، برای دفاع از شهر و سرزمینش، سخت‌ترین کارها را انجام می‌دهد؛ تا حدی که داوطلبانه به کار در قبرستان خرمشهر و غسل و کفن اجساد شهدا می‌پردازد. پس از شهادت پدر و برادرش، مسئولیت خانواده را بر عهده دارد و حتی پدر و برادرش را با دستان خود دفن می‌کند. مهارت‌های امدادی را می‌آموزد و در بیمارستان‌های خرمشهر به عنوان امدادگر خدمت می‌کند. در حالی که بسیاری از مردم، به هر شکلی که شده، در حال خروج از شهر هستند، او قصد دارد به خط مقدم برود؛ با جسارت و سختکوشی موفق به این کار می‌شود و به مداوای مجروحان می‌پردازد. در این مرحله خودش مجروح و به بیمارستان منتقل می‌شود.

ادب پایداری پیشینه‌ای به بلندای تاریخ دارد و به هیچ زمان یا مکان خاصی محدود نمی‌شود. «ماندگارترین آثار ادبی جهان، مستقیم یا غیر مستقیم با علوم دفاعی و ادبیات پایداری در ارتباط بوده‌اند؛ لذا ادبیات مقاومت خود فرصتی برای بروز و ظهور مایه‌های ادبی یک ملت تلقی می‌شود.» (چهرقانی، ۱۳۹۶: ۲۲). جریان ادبیات پایداری طی چند دهه اخیر، از جمله گونه‌های فراگیر ادبیات بوده که حضور پر رنگی در میان آثار متنوع ادبی داشته است. بعد از انقلاب اسلامی، آثار بی‌شماری در قالب شعر، داستان، نمایشنامه، خاطره و ... نوشته شده است که ضرورت تحلیل و بررسی آنها منجر به تاسیس گرایش «ادبیات پایداری» گردید. از جمله این آثار خاطره‌نگاشته «دا» می‌باشد. پژوهش‌های زیادی درباره این کتاب منتشر شده که هر کدام در نوع خود ارزشمند است؛ اما درباره موضوع این مقاله

تاکنون نقد جامع و مقاله مستقلی نگاشته نشده است؛ بنابراین انجام این پژوهش در حوزه علوم دفاعی و ادبیات پایداری ضروری است. در ادامه به برخی از آثاری که در زمینه کتاب «دا» نگاشته شده است به اختصار اشاره می‌شود. فاطمه معین‌الدینی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به بررسی شگردها و زمینه‌های تداعی معانی در داستان دا پرداخته است. نویسنده با استفاده از روش سندکاوی و شیوه تحلیلی- توصیفی، جایگاه و نقش تداعی معانی را در فراخوانی حوادث و شکل‌دهی به آنها تشریح و تبیین کرده است. لیلا اسمعیل‌پور (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود به توصیف و تحلیل گفتمان زبانشناختی جنگ در روایت دا پرداخته است. نویسنده تلاش کرده است، ویژگی‌های زبانشناختی و ساختارهای گفتمانی را با رویکرد تبیین نوسانات زبان نوشتاری و گفتاری در روایت کتاب نشان دهد. کوثر محمدعلی‌پور (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود، به بررسی تطبیقی در ادبیات پایداری میان ایران و فلسطین پرداخته و داستان «دا» سیده زهرا حسینی را با داستان «الصبار» بحر خلیفه از جنبه ساختار و محتوا و سبک نگارش مطابقت داده است. محمد رضا ایروانی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای به توصیف و تحلیل سبک شناسانه خاطره‌نگاشته دا پرداخته است. نویسنده در این مقاله، عناصر و شاخص‌های سبکی کتاب را در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی قرار داده است.

روش‌شناسی

برخی از اندیشمندان معتقدند که متن‌های ادبی کاربردی نیستند. گروهی، ادبیات را متعلق به حوزه ذوق و احساس می‌دانند؛ اما دلیل اصلی کاهش کیفیت تحقیقات ادبی، ناآشنایی پژوهشگران با شیوه‌های جدید تحقیق است. تمامی این عوامل، وظیفه ادبیات و آثار ادبی را در حد تفریح و سرگرمی کاهش داده است.

راهبرد این پژوهش، «روشی نظام‌مند و کیفی برای خلق نظریه‌ای است که در سطحی گسترده به تبیین فرایند کنش یا کنش متقابل موضوعی با هویت مشخص می‌پردازد.» (دانایی‌فرد، ۱۳۹۱: ۱۷). راهبرد «نظریه داده بنیاد» یکی از راهبردهای اجرای پژوهش‌های کیفی است که در سال ۱۹۷۶ توسط گلاسر و استراوس مطرح شد. در این روش، نظریه‌ها

به‌طور مستقیم از دل داده‌ها استخراج می‌شود. ویژگی اصلی نظریه داده بنیاد، تأکید بر بررسی دقیق داده‌های جمع‌آوری شده بدون هیچ‌گونه تعصب و جانبداری است. «در این روش، برای گردآوری داده‌های اطلاعاتی در مورد یک پدیده، از شیوه‌های کیفی استفاده می‌شود و به جای تعریف مسئله بر مبنای ادبیات تحقیق در قالب متغیرهای مستقل و وابسته، تنها سؤال اصلی تحقیق مطرح می‌گردد.» (دانایی‌فرد، ۱۳۸۳: ۸۶)

اگر بخواهیم در مجموعه ادبیات پایداری به شکل منسجم، تمامی ابعاد و مؤلفه‌ها را بررسی کنیم، و در الگویی جامع، اندیشه‌ها و آموزه‌های ارزشمند نویسنده و راوی را بیابیم، باید از شیوه‌ای خاص استفاده کنیم. در تحقیق پیش‌رو، با هدف انسجام بخشیدن به اندیشه‌های نویسنده و نشان دادن تمام جزئیات و مفاهیم موجود در روند رویدادها، از روش گراند تئوری یا «نظریه داده بنیاد» استفاده شده است؛ چون پایه اصلی نظریه‌سازی داشتن مفاهیم است، در مرحله نخست داده‌های کیفی مرتبط (متن داستان) استخراج و کدگذاری می‌شود. با مقایسه کدها، چند کد که به یک جنبه مشترک اشاره دارد، عنوان یک مفهوم به خود می‌گیرد؛ آن‌گاه برای موارد مشابه در هر زمینه‌ای، مؤلفه‌های مشترکی تعریف می‌شود. در پایان بر مبنای ارتباط میان مفاهیم مورد نظر، گزاره‌هایی استخراج می‌گردد. برای پی بردن به پایایی و اعتبار روش کار و نتایج حاصل از پژوهش، مفاهیم استخراج شده در قالب پرسشنامه، بین شش نفر از مدرسان توزیع گردید. از آن‌ها خواستیم تا ارتباط میان مفاهیم یاد شده را با مبانی ادبیات پایداری را ارزیابی کنند. نتایج بیانگر آن بود که میان دیدگاه‌های صاحب‌نظران با نتایج به‌دست آمده، ارتباط وجود دارد؛ از این‌رو می‌توان به یافته‌های حاصل از این بررسی اطمینان کرد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش، کدها (داده‌ها)ی مناسبی برای مفاهیم مورد نظر اختصاص دادیم. در واقع پژوهشگر در خلال مطالعه و بررسی متن کتاب، به این نکته پی می‌برد که نویسنده در هنگام بیان خاطرات و جزئیات وقایع، به‌طور ناخودآگاه به مفاهیمی در خصوص موضوع خاصی اشاره کرده یا آن را برجسته ساخته است. با سنجش داده‌ها و برقراری ارتباط منطقی

با متن داستان، مفاهیمی مرتبط استخراج می‌گردد. گفتنی است که برخی از داده‌های متن می‌تواند وجه مشترکی با مفاهیم تعریف شده دیگر نیز داشته باشد. سپس با مقایسه مفاهیم و یافتن پیوند مشترک میان آنها، هر کدام از مفاهیم در قالب یک مولفه دسته‌بندی می‌شود.

۱- مسائل دینی و اعتقادی

۱-۱ عدم دلبستگی به تعلقات مادی

- رفتار بابا خیلی عجیب بود ... او دیگر آدمی نبود که یکجا آرام بگیرد. به نظرم همه دلبستگی‌هایش را رها کرده بود.

(ص ۹۰)

- تحمل شنیدن این حرف‌ها را از زبان بابا نداشتم. ولی می‌دیدم او چقدر آرام است و با اطمینان دارد می‌رود. از همه چیز دل کنده (ص ۱۵۶). دوباره همان پیرمرد اولی گفت: انگار آدم هر چقدر پیرتر بشه، به زندگی دلبستگی بیشتری داره. تو این جوونا رو بین چطور جوشون رو گرفتن سر دست (ص ۲۶۹). تجربه از دست دادن بابا و علی باعث شده بود، به هیچ کس حتی حبیب (همسر زهرا) هم دل نبندم تا راحت‌تر به مسئله شهادتش برخورد کنم. (ص ۷۲۹).

توضیحات: نویسنده معتقد است که دلبستگی نداشتن به تعلقات مادی، آرامش و اطمینان خاطری در وجود انسان ایجاد می‌کند که حاضر است برای دفاع از میهنش از همه چیز خود دل بکند. او همچنین اشاره می‌کند که برخی از انسان‌ها هر چقدر پیرتر شوند، حریص‌تر می‌شوند و به دنیا و تعلقات مادی دلبستگی بیشتری دارند.

۱-۲ اعتقاد به معاد

- گفت: اینها هم مثل ما انسانند. ترس نداره. اینها هم مثل ما زنده بودند ولی الان زنده‌ترند. فرقمون اینه که اینها رفتن به دیار باقی و ما مونديم تو این دنیای فانی. (ص ۱۰۷)

- وقتی مردم جانشان را می‌دادند، دیگر طلا چه اهمیتی داشت. هنوز در کمد را نبسته بودم

که که صدای دا را از پشت سرم شنیدم، پرسید: چرا اینا رو در می‌آری؟ (ص ۱۲۱)

- به حالت‌ها و کارهای بابا فکر می‌کردم و به خودم می‌گفتم، انگار بابا می‌دانست مسافر است و زمان زیادی ندارد. (ص ۲۰۳)

- پرسیدم: پس اگه آدم اینجوری نمیره، چه جوری باید بمیره؟ گفت: طوری بمیره که در راه رضای خدا باشه. در حال انجام کاری برای رضای خدا باشه. (ص ۲۰۵)

توضیحات: نویسنده در صحنه‌های مختلفی از داستان به طور مستقیم یا غیرمستقیم به آیه شریفه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران، آیه ۱۶۹) اشاره می‌کند. او معتقد است که اعتقاد به معاد باعث می‌شود که انسان به تعلقات مادی کمتر دلبستگی داشته باشد و زندگی دنیا را فانی و موقتی بداند.

۱-۳ عزت و افتخار دانستن شهادت

- ... دستم را دور گردن لیلا انداختم. صورتش رو بوسیدم و آرام گفتم: غصه نخور، جای افتخار داره بابامون شهید شده. شهادت عزت داره. (ص ۲۱۹)

- ... حرفش را یادم آمد که می‌گفت: من مرگ در راه خدا را عین زندگی می‌دانم. زندگی واقعی در شهادت است. (ص ۲۶۷)

- به خودم گفتم: تو که آرزوی رسیدن به بابا رو داشتی، اگر کمی آنجا می‌ماندی تو هم می‌رفتی. تو هم به آرزویت می‌رسیدی. (ص ۲۷۹)

- دوباره می‌گفتم: من که از تو شهادت خواسته بودم، این چیه روزی من کردی؟ من طاقت ندارم. (ص ۵۲۳)

- گفتم: کفر نگو، بابا راهی رو رفت که همیشه دوست داشت. باعث افتخار و غرور ماست که بابا راه جدش رو رفته. (ص ۵۷۰)

توضیحات: یکی از مفاهیمی که در اغلب آثار دفاع مقدس به صورت پرتکرار بدان اشاره شده، «شهادت‌طلبی» می‌باشد. شهادت و شهادت‌طلبی از جمله مقدس‌ترین و والاترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری محسوب می‌شود. امروزه این مؤلفه در قالب یک فرهنگ متعالی در حوزه دفاع مقدس نهادینه شده است.

۴-۱ سخت‌کوشی در راه عقاید

- برای اینکه جعبه‌ها را بتوانیم ببریم من درشان را باز کردم. من روی هر کدام از شانه‌هایم، سه تا اسلحه ۳- انداختم. یک قطار فشنگ هم دور کمرم بستم و سر صندوق دارو را گرفتم. (ص ۴۹۸)

- بنده خدا یک نگاه به من و یک نگاه به بقیه کرد و گفت: برید اسیر می‌شید؛ عراقی‌ها همه جا هستند. گفتم: باشه اسیر بشیم. من هم باید کاری بکنم. (ص ۵۰۰)

- در بین حرف‌ها یک دفعه تَن صدای من بالا رفت و گفتم: قرار نیست که هر چی بقیه بگویند ما چشم بگوییم و کوتاه بیایم. اگه حرف ما حقه باید پایش بایستیم ... (ص ۵۷۹)

توضیحات: سیده زهرا با سخت‌کوشی در راه باورها و تحمل‌پذیری در برابر سختی‌ها و داشتن روحیه شهادت‌طلبی، آگاهانه در مسیر ایثار و ایستادگی حرکت می‌کند.

۵-۱ ایمان و خدا باوری

- رفتم توی حیاط، دم شیر آب وضو گرفتم و توی طارمه (ایوان)، نمازم را خواندم. به نظرم بعد از نماز، حالم خیلی بهتر شده بود. (ص ۸۹)

- خوش به سعادت شماها که کنار همچین مردی زندگی می‌کردید. بعد چیزی به طرفم گرفت؛ سجاده مخملی، جعبه نوارهای قرآن و سرباز گفت: این چند روزه دائم نوارهای قرآنش روشن بود. (ص ۲۰۰)

- ... تو نگران چی هستی؟ تازه بالاترین دارایی هر کس خداست. اعتقاد به خدا که باشه، نیاز به کسی نداری. خدا خودش خانواده‌ات رو تکفل می‌کنه. (ص ۳۷۸)

- از حضرت زینب خواستم آن قدر به من صبر بدهد که بتوانم تحمل کنم. اشک‌هایم می‌ریخت و می‌گفتم: نخواه این مصیبت باعث از دست رفتن عقاید من شود. (ص ۳۴۷)

توضیحات: نویسنده معتقد است که باورهای مذهبی، قدرت تاب‌آوری و استقامت آدمی را در برابر سختی‌ها و مصیبت‌ها افزایش می‌دهد. ضمن اینکه انسان‌های باایمان، بالاترین دارایی‌شان را خداوند می‌دانند، لذا نتیجه کارها را به او واگذار می‌کنند.

۱-۶ آرامش یافتن با ذکر اهل بیت

- گفتم: برای چی ندونم به سرمون چی اومده؟ اما مگه بابا از امام حسین عزیزتره یا ما از حضرت زینب بهترییم؟ بعد بغلش کردم و در گوشش از مصیبت‌های حضرت زینب گفتم. گریه می‌کرد و می‌گفت: بمیرم برای دل زینب. (ص ۱۹۹)

- اشک تمام صورتم را گرفته بود. هول عجیبی داشتم که بابا را چطور می‌بینم. در بین بابا گفتن‌هایم، اسم امام حسین را هم می‌آوردم. آخر تنها تکیه‌گاه و نقطه آرمشی که می‌شناختم، امام حسین بود. (ص ۲۰۱)

- به بچه‌ها گفتم: گریه نکنید، بابا راه امام حسین رو رفته. به راه خدا رفته. بچه‌های امام حسین رو یادتون میاد. دشمن باباشون رو شهید کرد ... (ص ۱۹۸)

- علی یک دفعه عصبانی شد و گفت: مگه مادر عباس نگران عباس نبود؟ ... مگه آنها خانواده نداشتند؟ من آن قدر توی سپاه می‌مانم تا شهید شوم. (ص ۳۵۴)

- هر دو تا رو به روی هم نشستیم. لیلا سرش را به آسمان گرفت و با سوز و ضجه‌ای گفت: یا حسین، بعد با دست‌هایش صورتش را پوشاند و اشک‌هایش ریختند. (ص ۳۵۹)

توضیحات: نویسنده معتقد است که پس از یاد خداوند، یاد کردن از اهل بیت، آرامش‌بخش انسان است. یادآوری مصیبت‌ها و مصائب امام حسین (ع) و فرزندانش، موجب تسلی خاطر رزمندگان می‌شود. یکی از ابعاد شکوهمند ادب پایداری، بیان مظلومیت و حقانیت خاندان پیامبر در نبرد با ظالمان و بیدادگران است. نویسنده حضرت زینب را اسوه صبر و استقامت می‌داند و با یادآوری آن به سایرین آرامش می‌دهد.

۱-۷ نیایش به درگاه خدا

- پیگیری‌های دا و دعا‌هایش به درگاه خدا بالاخره کار خودش رو کرد. (ص ۲۴)

- یک دفعه متوجه شدم، بلند بلند حرف می‌زنم و با خدا راز و نیاز می‌کنم. از خدا می‌خواستم اگر کسی از خانواده من شهید شده است، این قدرت را به من بدهد، بتوانم تحمل کنم. (ص ۱۹۶)

- صدای اذان که آمد، از بین‌شان جدا شدم، وضو گرفتم و داخل شبستان رفتم. پشت یک

ستون ایستادم. می‌خواستم تنها باشم. اول نماز خواندم. بعد نشستم و با خدا خلوت کردم. (ص ۲۱۴)

- نمی‌دانستم او را موج انفجار گرفته و موج انفجار چه اثراتی دارد. شروع کردم به ذکر گفتن، آیت الکرسی و امن یجیب خواندم. (ص ۲۹۵)

توضیحات: انسان‌های خدا باور در تمامی شرایط زندگی از خدا یاری می‌جویند. نیایش به درگاه خدا، انرژی و روحیه آنان را چندین برابر می‌کند. سید زهرا حسینی، همراهی با خدا را سرچشمه رهایی از تمامی دردها و غم‌ها و آرامش‌بخش انسان می‌داند.

۱-۸ توکل به خدا

- گاهی بابا در حین نصیحت‌هایش حرف‌هایی به من می‌زد ... من مسیر درست رو تو زندگیم انتخاب کردم. شما هم باید تلاش کنید و به خدا توکل کنید. (ص ۲۴۰)

- گفتم: اگه لطف خدا نبود تا الان هزار بار جان داده بودم ولی خیلی سخته. گفت: آره می‌دونم سخته ولی اگه توکل کنی سختی از بین میره. (ص ۳۷۹)

توضیحات: به استناد آیات و روایات، مفهوم توکل همواره با عناصر تلاش و بردباری عجین می‌باشد؛ همان‌طور که در این کتاب نویسنده به خوبی این مفاهیم را در کنار هم بیان کرده است.

۲- مسائل اجتماعی

۲-۱ حضور فعال زنان

- خیلی وقت‌ها که این آدم‌ها را پیدا نمی‌کردم، خودم تابلوها رو می‌نوشتم و بالای قبر فرو می‌بردم. خیلی وقت‌ها خودم تابلوها رو می‌نوشتم ... (ص ۱۱۰)

- عصبانی شدم و گفتم: برای چی من نمی‌تونم قبر بکنم؟ شما مردها فکر کردید چون ما زنیم توان و قدرت نداریم؟! (ص ۱۱۹)

- بعد یا علی گفت و بلند شد. از اتاق بیرون رفتیم و شروع کردیم به گشت‌زنی. (ص ۱۳۵)

وسایل پانسمانم را برداشتم و رفتم عباسیه. آنجا پانسمان دست دختر را عوض کردم. ترکش کمی از گوشت ساعدش را برده، جراحتش را کلی بخیه زده بودند ... (ص ۲۴۷)

توضیحات: مشارکت بانوان در دوران دفاع مقدس و نقش آنان در دفاع از میهن اسلامی، امری انکارناپذیر است. نویسنده کتاب به فعالیت و حضور زنان در پشت صحنه و میدان نبرد اشاره کرده است. تقویت روحیه رزمندگان، تهیه و تدارک خوراک و پوشاک، اهدای خون، دلگرمی دادن به خانواده شهدا و ایثارگران، امدادرسانی و امور خدماتی بخشی از فعالیت‌های زنان در گیر و دار جنگ تحمیلی بود.

۲-۲ هوشیاری مردم

- توی محله خودمان که وارد شدیم، خاموشی مطلق بود؛ مردم به هشدارهای رادیو که مرتب اعلام می‌کردند: «چراغ‌ها را روشن نکنید، گونی‌های پر از شن پشت پنجره بگذارید» و ... خوب گوش کرده بودند. (ص ۱۱۴)

- تا علی از تهران برگرده، مواظب بچه‌ها باش ... بالاخره شهادت هست، اسارت هست، مجروحیت هست. ما راهی رو می‌ریم که بهش آگاهیم. می‌دونیم چه اتفاقی می‌افته. (ص ۱۵۶)

- مطمئن شدم این آدم همان‌طور که حدس می‌زدم ریگی به کفش داره. به همین خاطر بهش گفتم: دلیلی برای موندن ما نیست. شما مثل اینکه ما رو بچه فرض کردی. (ص ۴۵۸)

- دکتر سعادت هم گفت: آقا ما پیه همه چیز رو به تمون مالیدیم. این خواهرها رو هم از چیزی نترسونید. این‌ها همه چیز رو می‌دونند و آگاهانه جلو اومدن. (ص ۵۰۰)

- با اینکه مردی در خانه نبود ولی ما گفتیم: صبر کنید تا مردانمان را بیدار کنیم. گفت: نه مشکلی نیست. شما چراغ راهرو را خاموش کنید ما از بیرون سیم برق را درست می‌کنیم ... از این دست ماجراها و شیطنت‌های منافقین که مرتب به گوشمان می‌رسید کم نبود. (ص ۶۶۳)

توضیحات: نویسنده معتقد است که حرکت آگاهانه در مسیر اهداف از جمله موارد هوشیاری و بیداری محسوب می‌شود. هوشیاری و زکاوت به موقع مردم، نقش بسزایی در پیروزی رزمندگان دارد. این هوشیاری جلوی فتنه‌ها و تحرکات مستقیم یا غیرمستقیم دشمن را می‌گرفت.

۲-۳ وطن پرستی

- همه باید دست به دست هم بدیم و دفاع کنیم. نباید اجازه بدیم اجنبی وارد مملکتمون بشه و به خاک و ناموس و شرفمون دست درازی کنه. (ص ۸۸)

- گفت: ما وقتی اومدیم دیگه به شهر رسیده بودن. همین طور دارن جلو میان تا شهر رو تصرف کنن. ما نمی‌تونیم دست رو دست بزاریم شهر از دست بره. (ص ۳۰۹)

- دلم برای اینجا تنگ شده بود. گاهی با دا برای خرید به اینجا می‌آمدیم ... مردم هم با همه قومیت‌های ایرانی به خاطر کار در گمرک و بندر در خرمشهر زندگی می‌کردند. (ص ۳۲۴)

توضیحات: بی‌تفاوت نبودن و داشتن احساس مسئولیت برای دفاع از ناموس و شرف و این مرز و بوم از مولفه‌های اساسی ادبیات مقاومت و پایداری است که در تمامی دوران به عنوان عنصری ثابت و تاثیرگذار مطرح بوده است.

۳- مسائل انگیزشی

۳-۱ مثبت اندیشی

- وقتی خواستم لیف و صابون را بردارم، باز دچار تردید شدم. باید به لیفی دست می‌زدم که به تن همه مرده‌ها خورده بود ... اما به خودم گفتم: دیر یا زود باید این کار را بکنی وگرنه اینجا ماندنت چندان فایده‌ای ندارد. (ص ۱۰۵)

- ... به خودم دل‌داری دادم که ماندم بی‌دلیل نبوده. جای بدی هم که نمانده‌ام. اگر می‌رفتم خانه تا صبح خوابم نمی‌برد و فکرم اینجا بود. حتما خواست خدا بوده و به دلم انداخته که بمانم. (ص ۱۳۰)

- به دا گفتم: چرا بی‌تابی می‌کنی؟ خوب بود بابا توی تصادف از دست می‌رفت یا مریض

می‌شد و به رحمت خدا می‌رفت؟ اینها را که گفتم، گفت: الحمدالله. (ص ۲۱۶)

- ... کمی به خودم آمدم و گفتم: اگه دل این کارها رو نداری بهتره از شهر بروی ... حالا تا کی می‌خواهی اینجا بشینی و عزا بگیری. بلند شو، تا الان خدا کمکت کرده، بعد از این هم خدا بزرگه. (ص ۲۸۱)

- از آنجا که امیدوار بودم جنگ هر چه زودتر تمام شود، گفتم: زود برمی‌گردم، خیلی زود ... سعید که ذوق مدرسه رفتن داشت و باورش شده بود من به خرمشهر می‌روم، گفت: می‌ری خرمشهر کتاب‌های من رو می‌یاری؟ عراقی‌ها می‌ذارن؟ گفتم: اونا غلط می‌کنن نذارن. (ص ۵۶۳)

توضیحات: داشتن تفکر مثبت و خوش بین بودن، یکی دیگر از مفاهیم پرتکراری است که بسامد بالایی در این کتاب دارد. نویسنده در اوج سختی‌ها چراغِ امید در قلبش روشن است و با فکری مثبت و امیدوارکننده اهدافش را دنبال می‌کند. ایمان و آرامش درونی به او امیدواری می‌دهد و این مسیر خطیر را برایش هموار می‌سازد.

۳-۲ تقویت روحیه رزمندگان

- باید دا را آرام می‌کردم. نمی‌خواستم رفتار ما باعث تزلزل روحیه آنها شود ... حرف دا، گریه بچه‌ها را بیشتر کرد. نشستم. یکی یکی‌شان را توی بغل گرفتم. بوسیدم و دست به سرشان کشیدم. سعی کردم آنها را آرام کنم. (ص ۱۹۷)

- یک دفعه سه تایی دورم را گرفتند و بغض‌شان ترکید. خم شدم و دستم را دور سه تایشان گرفتم و گفتم: بابا رفته پیش خدا. الان از همه غصه‌ها راحت شده. شما باید خوشحال باشید که بابا خوشحاله. (ص ۲۰۷)

- ... اما تنها چیزی که می‌توانست مردم را به حرکت در بیاورد و نور امیدی در دلشان ایجاد کند، خبر موفقیت نیروهایمان بود ... گفتم: جنگ تموم نشده ولی تموم میشه. بچه‌های ما توی خط عراقی‌ها رو عقب روندند. ان شاءالله جنگ تموم میشه. (ص ۲۴۵)

- گفتم: خب عیب نداره. خدا بزرگه. پسرت شیره، باید بهش افتخار کنی. می‌خواد با همین دست زخمی بره به جنگ دشمن. دعا کن براش خدا حفظش کنه. (ص ۲۹۴)

- خطاب به جمع گفتم: شما چرا گریه می‌کنید؟ شما باید به من دلداری بدید ... امروز روز عروسیه علیه. خودش گفته روزی که شهید بشم روز دامادی منه. (ص ۳۵۵)

توضیحات: یکی دیگر از مفاهیم اساسی و پرتکرار در کتاب «دا»، مفهوم روحیه دادن و ایجاد انگیزه است. این عامل نقش مهمی در تداوم تلاش و مقاومت نیروها، چه در میدان نبرد و چه در پشت صحنه نبرد داشت.

۳-۳ شادی و شادی بخشی

- می‌گفتند: تو چطور این قدر روحیه داری؟ ما تعجب می‌کنیم. انگار نه انگار که بابا و برادرت رو از دست دادی ... همش در حال کاری و خنده رو لب‌هاته. (ص ۳۶۹)

- می‌گفتم: بدو کار داریم. گاهی هم برای شوخی می‌گفتم: لیلا من تند نمی‌رم، خود این شهید من رو می‌بره. برای رفتن به بهشت عجله داره. (ص ۴۲۲)

- از خوشحالی سر از پا نمی‌شناختم. بلند شدیم، رفتیم توی مطب. می‌خندیدیم و می‌گفتم: این نتیجه اتحادیه. باید هوای همدیگه رو همین طوری داشته باشیم. (ص ۴۰۱)

توضیحات: ثمره اصلی معنویت و دینداری، آرامش و شادی است. همان طور که سیده زهرا حسینی در اوج سختی و ناراحتی به همگی روحیه و انگیزه می‌دهد و قصد داشت با ایجاد فضایی شاد و صمیمی، به خانواده و اطرافیانش دلداری بدهد.

۳-۴ تجلیل از رزمندگان و تلاشگران

- هزار ماشالله هر کدوم از شما یه شیر زن هستید. شما باعث افتخار و سربلندی ما مردها هستید. وجود شما و کمک‌های شما باعث میشه ما با دلگرمی بیشتری توی خط بجنگیم. (ص ۲۵۲)

- گفت: می‌خواهم افتخار شلیک اولین گلوله {خمپاره} رو به شما بدهیم. با تعجب گفتم: من؟ چرا من؟ گفت: چون تو عزیزترین کسی رو که داشتی، در راه خدا و این آب و خاک دادی. (ص ۳۱۸)

توضیحات: حمایت و تمجید از رزمندگان و تلاشگران دفاع مقدس موجب دلگرمی بیشتر

آنان می‌شود و فضایی صمیمی را با انرژی مضاعف در دل و جان آنان ایجاد می‌کند.

۴- مسائل امنیتی

۴-۱ موقعیت‌شناسی

- بعد از این همه کار کفن و دفن، یک ساعت دور هم نشسته بودند تا استراحتی بکنند و از آن حال و هوای غسالخانه بیرون بیایند. آن وقت روا نبود ما با گریه و زاری ناراحتشان کنیم. (ص ۲۱۹)

- عصبی شدم، گفتم: دا، همه حال و روز ما رو دارن. شرایط ما هم مثل اوناست؛ قرار نیست این قدر که شیون و زاری کنند. (ص ۲۲۳)

- با اینکه یقین داشتم جوان کشته شده است، نمی‌توانستم حقیقت را به آنها بگویم. گفتم: ما می‌بریمش بیمارستان. شما هم براش دعا کنید. (ص ۳۰۵)

- ... رعب و وحشت ایجاد بکنیم که چی بشه؟ جز اینکه وضع رو بدتر می‌کنه، کاری از پیش نمیره. بذار مردم با آرامش از شهر خارج بشن. (ص ۳۱۱)

- گفتم: باشه حرف‌های شما درست. ولی من احساس می‌کنم باید برم حرف‌هام رو بزنم. شاید یه کم به فکر بیفتند. (ص ۴۳۲)

توضیحات: نویسنده معتقد است که گاهی لازم است تا با سنجیدن شرایط و درک کردن حال و روز اطرافیان بهترین تصمیم‌مکن را گرفت. گاهی نیز برای ایجاد آرامش و عدم بروز آشفتگی و اختلاف در شرایط خاص، لازم است حقیقت را کتمان نمود یا آن را به گونه‌ای دیگر بازگو کرد.

۴-۲ برقراری امنیت

- از حرف‌ها خیلی ناراحت شدم ... ولی بابا گفت: الان وقت این حرف‌ها نیست. اگه قرار باشه من نزارم، اون همسایه اجازه نده، پس کی می‌خواد جلوی دشمن بایسته؟ این جوری که دشمن میاد یه روزه همه مملکتمون رو اشغال می‌کنه. (ص ۱۰۱)

- گفت: اشکال، اشکال که به خاطر خودتون می‌گیم. اینجا امنیت نداره. شما هم یه خانم

جوان هستید. مردها باید بیایند و به کارهای اینجا برسند. (ص ۱۷۲)

- هواپیماها مطمئن از اینکه خطری آنها را تهدید نمی‌کند در ارتفاع پایین پرواز می‌کردند؛ طوری که سایه شوم‌شان بر سر مردم می‌افتاد. جمعیت هم وحشت‌زده در حالی که با دیدن سایه هواپیماها، مرگ را در جلوی چشمشان می‌دیدند، به آسمان نگاه می‌کردند و به این طرف و آن طرف می‌دویدند. (ص ۱۸۲)

- ساکت شدم و دوباره ادامه دادم: توی خرمشهر مردم آب و برق ندارند؛ تو مضیقه‌اند؛ امنیت ندارند؛ حتی جرأت نمی‌کنن بروند لب شط، آب بردارن. (ص ۱۸۸ و ۱۸۹)

توضیحات: برقراری و تامین امنیت مردم یکی از مباحث و مأموریت‌های اصلی رزمندگان و نیروهای نظامی در حوزه دفاع مقدس و ادبیات پایداری است. البته هوشیاری مردم در ایجاد این وضعیت، نقش تعیین کننده‌ای دارد.

۴-۳ احتیاط و دور اندیشی

- ... با احتیاط وارد می‌شدم. حواسم خیلی به پشت سرم بود. هر آن منتظر بودیم یک بعثی یا ستون پنجم از جایی بیرون بپرد. (ص ۳۱۳)

- گفت: نه قانون نیست. منتهی بهمون سپردن تا مطمئن نشدیم شهید مال چه خانواده‌ایه، تحویل ندیم. چون یه عده به اسم کس و کار شهید اومدن و جنازه تحویل گرفتن ... بعداً معلوم شده عضو سازمان مجاهدین‌اند. (ص ۳۲۱)

- می‌گفتند: وضعیت خوبه. خبر خاصی نیست. مگر طرف رو می‌شناختند و حرف می‌زدند و گرنه تا مطمئن نبودند قضیه را لو نمی‌دادند. (ص ۳۲۶)

توضیحات: در دوران دفاع مقدس، برخی سهل‌انگاری‌ها و بی‌احتیاطی‌ها از جانب رزمندگان و مسئولان، عواقب و خسارت‌های جبران‌ناپذیری را متحمل نیروهای خودی کرده است؛ از این رو احتیاط و دوراندیشی نقش موثری در به ثمر رسیدن تلاشها و کسب پیروزی رزمندگان داشت.

۴-۴ برقراری نظم و آرامش

- عده‌ای هم با گریه و زاری بین جنازه‌ها می‌گشتند تا گمشدیشان را پیدا کنند ... آن‌ها تلاش می‌کردند به آن بی‌نظمی سر و سامان بدهند بلکه پیکرهای بیشتری در سردخانه جا بگیرد. (ص ۲۷۸)

- آقای مصباح می‌گفت: نباید رعب و وحشت تو دل مردم بندازید. چرا اینجوری می‌کنین؟ توکل ما به خداست؟ اسلحه نداریم، ایمان که داریم. امام رو که داریم. (ص ۳۱۰)

- وضع آشفته آنجا و فشار روحی که به بهم می‌آمد، اجازه نمی‌داد سری به آن بلیزر بزنم. همه‌مۀ بدی بود. صدای گریه‌ها لحظه‌ای قطع نمی‌شد. (ص ۳۳۹)

توضیحات: وجود نظم و آرامش در میدان نبرد و در پشت صحنه‌ی نبرد بسیار حائز اهمیت است. بدون شک بی‌نظمی باعث آشفتگی ذهنی می‌شود و آرامش فکری را از نیروها سلب می‌کند. لذا سید زهرا یکی از وظایف اصلی مسئولان و تلاشگران را برقراری نظم و ترتیب می‌داند.

۵- مدیریت و رهبری

۵-۱ اطاعت و پیروی از رهبری

- ... پس باید با چنگ و دندون از مملکت‌مون دفاع کنیم. ما که گفتیم، سرباز امام هستیم، حالا باید نشون بدیم که سرباز واقعی‌اش هستیم و گوش به فرمانش داریم. (ص ۱۸۹)

این حرف‌هایش خوب یادم مانده که می‌گفت: خمینی (ره) فرزند امام حسین (ع) است. اگر ما به امام حسین می‌گوییم: ای کاش آن زمان بودیم و یاریت می‌کردیم، حالا باید خمینی را یاری کنیم تا فقط حرف نزده باشیم و در عمل هم ثابت کنیم که ما یاران حسینیم. (ص ۲۳۹)

- گفتم: این که دلیل نمی‌شه. مگه امام، رهبر این مملکت و رهبر همه‌ی مسلمانان جهان نیست؟ (ص ۵۹۴)

توضیحات: نویسنده معتقد است که ولایت‌مداری به حرکت انسان‌های متعهد و با ایمان در مسیر اهداف جهت می‌دهد. لذا پایبندی به ولایت و اطاعت از رهبری موجب تقویت

باورهای اعتقادی و کسب بصیرت دینی می‌شود.

۵-۲ آموزش نیروها

- انجام کار در اینجا مستلزم آشنایی با کمک‌های اولیه و اصول درمان بود که من در این زمینه آموزش ندیده بودم. از اینکه نمی‌توانستم کاری انجام بدهم از دست خودم ناراحت بودم. (ص ۷۶)

- گفت: نه فرق می‌کنه. منی که طرز استفاده از اسلحه رو می‌دونم با اون‌ی که نمی‌دونه، فرقمون اینه که من بهتر می‌تونم کار انجام بدم .. این حرف‌ها رو که زد دیگر ندانستم چه جوابی بدم. او کاربرد سلاح سبک و سنگین را خوب می‌دونست و با انواع اسلحه آشنایی داشت. خودش با ژ-۳ و کلتی که علی از سپاه براش آورده بود، باز و بسته کردن و طرز استفاده‌یشان را به ما یاد داد. (ص ۱۰۷)

- بعد شروع کرد و درباره‌ی خاصیت داروها، کاربرد وسایل پزشکی و انواع زخم‌ها برایمن و دخترها توضیح داد. خاطراتی هم از دوران کارش در بیمارستان تعریف کرد. حس کردم به دانستن همه‌ی این نکته‌ها نیاز دارم. (ص ۲۴۹)

توضیحات: یکی از مهمترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری، برخورداری از دانش و یادگیری آموزش‌های لازم در حوزه تخصص و مسئولیت است. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران عدم آموزش کافی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به نیروهای امدادی و رزمندگان وارد کرده است. لازمه دفاع هوشمندانه در برابر دشمنان «آموزش» است.

۵-۳ ساماندهی نیروها

- از در جنت آباد که بیرون آمدم، تعداد زیادی سرباز را دیدم که کنار دیوار قبرستان دراز به دراز خوابیده بودند. به نظر می‌رسید خسته و گرسنه‌اند ... گفتم: خجالت نمی‌کشید اینجا خوابیدید؟ مگه نمی‌بینید دشمن اومده تو شهر و داره مردم رو نابود می‌کنه؟ ... صدای یکی دو نفرشون در آمد که: خب ما چی کار کنیم؟ فرمانده نداریم. (ص ۱۲۴)

- آنها هم حرف خودشان را می‌زدند. یک عده اسلحه می‌خواستند تا به خط بروند. چند

تایی هم روی دوششان اسلحه بود و منتظر بودند آنها را به نقاط درگیری ببرند. چند نفری هم می گفتند: ما ماشین می‌خوایم، بچه‌هایی رو که توی خط مجروح می‌شوند به عقب منتقل کنیم. (ص ۱۲۶)

- وضع عجیبی بود. سرو صدای مردم کلافه با بوق ماشین‌ها باعث می‌شد، صدا به صدا نرسد ... راننده نیشان هم بوق می‌زد اما فایده نداشت. یکدفعه عبدالله شروع کرد به تیراندازی هوایی. مردم وحشت زده به طرفمان برگشتند و نگاه کردند. (ص ۱۸۱)

توضیحات: بدون شک برخی تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های نادرست و ناهماهنگی میان مسئولان ارتش و سپاه، زمینه‌ساز ایجاد نابسامانی‌ها در شروع جنگ تحمیلی بود. البته شرایط بحرانی، کمبود تجهیزات، بلاتکلیفی نیروها، تغییر در سلسله مراتب فرماندهی و عواملی دیگر این وضعیت را تشدید می‌کرد.

۵-۴ سرعت عمل در کارها

- بچه‌ها به خاطر خونریزی‌های ساده دارند تو خط تلف می‌شوند. یکی دیگر می‌گفت: آقا به مسئولین بگو جاهایی رو که می‌زنن سریع‌تر رسیدگی کنند ... (ص ۱۲۶)

- خودش با ژ-۳ و کلتی که علی از سپاه براش آورده بود، باز و بسته کردن و طرز استفاده‌یشان را به ما یاد داد. سرعت عملش حرف نداشت. حتی چشم بسته هم در عرض چند دقیقه اسلحه را باز و دوباره سر هم می‌کرد. انگار خودش همیشه آماده چنین شرایطی بود. به ما هم می‌گفت: توی کارهاتون باید سرعت عمل داشته باشید ... (ص ۱۰۷ و ۱۰۸)

- گفتم: نگاه کن من خودم همیشه تلاش کردم مجروحین رو سریع‌تر به بیمارستان برسونم. این را خوب می‌فهمم که کار شما چیه، اما تو رو خدا الان می‌خوام برم جنازه برادرمو بیارم. (ص ۳۵۳)

توضیحات: امروزه سرعت عمل و پیش‌دستی در جنگ با عنوان «اصل غافلگیری» شناخته می‌شود. سرعت در برقراری نظم، سرعت در ساماندهی یا جابه‌جایی نیروها، از جمله مقوله‌های است که در مباحث علوم دفاعی برای تعیین سرنوشت جنگ تاثیرگذار است. در عرصه‌ای که جای تامل و درنگ وجود ندارد، باید از کوچک‌ترین فرصت‌ها به خوبی

استفاده کرد.

۵-۵ تامین امکانات و تجهیزات

- ما اگه مهمات داشتیم اینها رو عقب می‌روندیم. اگه اسلحه و مهمات دارین بدین ما ببریم. هر جا می‌ریم میگن نیست. شما خبر ندارین توی خط چه خبره! (ص ۳۰۹)

- عراقی‌ها از این فرصت استفاده می‌کنند و می‌آیند جلو، تمام مواضع ما رو اشغال می‌کنند که هیچ، پیشروی هم می‌کنن. ما اسلحه و تجهیزات کافی نداریم ... (ص ۳۱۰)

- گفت: چه ضرورتی داره شما بری خط؟ تازه داروها مون اونقدر زیاد نیست که شما بخوای ببری خط. (ص ۳۲۷)

توضیحات: یکی از مفاهیم اساسی در بحث مقاومت و پایداری، برخورداری از امکانات و تجهیزات مناسب است. در شرایطی که بسیاری از کشورها برای کمک رسانی به رژیم بعثی متحد شده بودند، کمبود امکانات و سلاح نیروهای خودی را تحت فشار قرار می‌داد.

۵-۶ فرمان‌پذیری و اطاعت از دستورها

- حاج آقا نوری به جوان گفت: پسر ما برایتان نیرو هماهنگ می‌کنیم ... وحدتتان را حفظ کنید. هم نیروهای مردمی، هم ارتشی‌ها و هم سپاهی‌ها باید به دستورات فرماندهان عمل کنند. (ص ۳۰۹)

- با اینکه دلم نمی‌خواست توی مسجد بمونم تا اگر علی دنبالم اومد اون رو بینم ولی به خواست آقای نجار از مسجد بیرون اومدیم. (ص ۳۱۰)

- به او گفتم: حاج آقا، به ما گفتند، مردم محله طالقانی رو تخلیه کنید. انجام وظیفه کردیم. حالا خودتون می‌دونید اینجا نگهشون دارید یا از شهر بیرون ببرید. (ص ۳۱۶)

توضیحات: اطاعت‌پذیری از رده بالاتر، وحدت و همبستگی را میان نیروها بیشتر می‌کند؛ جلوی بی‌نظمی و نابسامانی‌ها را می‌گیرد. همچنین بسیاری از توطئه‌ها و مسامحه‌گری‌ها با فرمان‌پذیری و پیروی از فرمانده سرکوب می‌گردد.

۶- مسائل اخلاقی و تربیتی

۶-۱ ایثار و از خود گذشتگی

- علی صبح به مدرسه می‌رفت و من بعد از ظهر. او به محض تعطیلی از مدرسه، یک نفس تا خانه می‌دوید، کفش‌های کتانی‌اش را از پا در می‌آورد و به من که آماده، منتظرش بودم، می‌داد. (ص ۵۲)

- جگرم داره می‌سوزه. هیچ کاری از دستم بر نمی‌یاد برای بچه بکنم. نشستم و دستی به صورت دختر بچه کشیدم ... یک دفعه شنیدم مردی می‌پرسد: کجا باید برم خون بدم؟ با این حرف از جا پریدم. توی این شرایط حداقل می‌توانستم خون بدهم. (ص ۷۸)

- چون شیفت اول برای ما مناسب‌تر بود، به حسین و عبدالله گفتم: اول ما می‌ایستیم. شما بخوابید ... با لیلا کمی دورتر از اتاق‌ها لبه جدول نشستیم تا حرف زدنمان خواب بقیه را خراب نکند. (ص ۲۶۶)

باز گفتم: این طور درست نیست. حالا اینها بعضی هم باشند، اسمشان مسلمان بوده. برای هر کدام جداگانه قبر بکنید. من خودم دفنشون می‌کنم. (ص ۳۶۲)

توضیحات: داشتن الگوهای رفتاری مناسب، عادت‌ها و صفات نیک را در بین اعضای خانواده نهادینه می‌سازد و زمینه‌ساز خلق فضیلت‌های ارزشمند و اخلاق پسندیده می‌گردد. همان‌طور که سیده زهرا حسینی، تحت تاثیر تربیت صحیح از این صفات نیک برخوردار بود.

۶-۲ عدم منفعت جویی

- بعد از صحبت با آقای مازندرانی، او خیلی با احترام مرا به قسمت دیگه‌ای راهنمایی کرد. مسئول آن قسمت، سه تخته پتو و پانزده هزار تومان پول جلویمان گذاشت. به او گفتم: من اینجا نیامده‌ام که چیزی بگیرم. (ص ۶۲۱)

- من از قبل به دا سپرده بودم اگه از جایی آمدند، حق نداری سر سوزنی چیزی بخواهی. ما شهید ندادیم که بیایم اینجا چیزی بگیریم. (ص ۶۳۵)

توضیحات: به عقیده نویسنده، پیروان راستین مکتب اسلام و اهل بیت می‌دانند که تمامی رفتار و اعمالشان در درگاه خدا ثبت و ضبط می‌شود؛ از این رو برای کسب منافع مادی از امتیازات و مزایای مربوطه برای خود به دنبال سهم‌خواهی و منفعت‌طلبی نیستند.

۶-۳ حسِ همیاری و کمک‌رسانی

- علی، بندکشی دیوارها و محسن و بابا جوشکاری ساختمان را انجام می‌دادند. من و لایلا هم کمک می‌کردیم. (ص ۵۶)

- با صدایی که خس خس می‌کرد، پرسید: اومدی کمک کنی یا دنبال شهیدت هستی؟ من که بُهت زده بودم، گفتم: اومدم کمک کنم. (ص ۸۲)

- صورتم را بوسید. دست‌هایم را از دور گردنش باز کرد، توی صورتم نگاه کرد و گفت: آره، امروز همه باید کمک کنند. (ص ۸۸)

- برای گذر مردم از ساحل به داخل قایق‌ها، چند تخته الوار توی آب انداخته بودند. من با وجودی که از آب می‌ترسیدم، سعی کردم به زن‌هایی که بچه کوچیک دارند، کمک کنم. (ص ۳۸۹)

- بنده خدا یک نگاه به من و یک نگاه به بقیه انداخت و گفت: برید اسیر می‌شید. عراقی‌ها همه جا هستن. گفتم: باشه اسیر بشیم. من هم باید یه کاری بکنم. (ص ۵۰۰)

توضیحات: نویسنده حسِ همیاری را از دوران کودکی آموخته است. او از پدرش یاد گرفته که باید در شرایط سخت به همدیگر کمک کرد. این صفت در وجودش عجین شده است؛ لذا در تمامی صحنه‌ها قصد دارد در کارها با دیگران مشارکت داشته یا به آنها کمک کند.

۶-۴ بردباری و تحمل‌پذیری

- او می‌خواست باز هم صحبت کند ولی من حال و حوصله نداشتم. راستش از جیغ جیغ کردن‌هایش اصلاً خوشم نیامد. چند بار بهش گفتم: یه کم تحمل کن؛ اینجا وضع همه از من و شما بدتره. (ص ۵۲۱)

- حبيب (همسر سیده زهرا) چند وقت بعد از آمدنش، بعضی از مسائل ساختمان را که دید به من گفت: چرا به من چیزی نمی‌گفتی؟ تو چه صبری داشتی که اینها را تحمل کردی. (ص ۷۳۰)

- بعد از نماز صبح، دو رکعت دیگر هم به نیت اینکه خدا به من صبر بدهد، به حضرت رقیه هدیه کردم. (ص ۳۴۶)

- دایی گفت: زهرا من حیرونم، این تویی؟! دختر تو چه صبری داری! (ص ۳۵۱)

- برای اینکه جعبه‌ها را بتوانیم با خودمان ببریم، درشان را باز کردند. من روی هر کدام از شانه‌هایم سه تا ۳ انداختم ... گفتند: نمی‌تونی اینجوری بدوی. گفتم: نه، می‌تونم. (ص ۴۹۸)

توضیحات: بر اساس آیات و روایات، تنها کسانی از میان مشکلات و موانع، سلامت به مقصد می‌رسند که با صبر به قضای الهی راضی شوند و تسلیم امر خداوند باشند. لذا صبری ارزشمند است که به قصد تقرب و برای کسب رضای الهی باشد.

۵-۶ وظیفه‌شناسی

- گفتم: آقا سید خیره، کجا؟ گفت: دارم می‌رم خط ... شهرداری گفته هر کس سر کارش حاضر نشه اخراجش می‌کنه؟ ولی آقا سید گفت: گور پدر کار، دشمن اومده تو شهرمون و می‌خواد ما رو از شهر بیرون کنه، اون وقت اینها من رو تهدید به اخراج می‌کنن؟! من وظیفه‌ام اینه که برم بجنگم. (ص ۱۲۳ و ۱۳۴)

- گفتم: من نمی‌دونم. من هم به کسی تعهد ندادم تو جنت آباد بمونم. ولی احساس وظیفه کردم. (ص ۱۴۲)

- با شرمندگی از بابا حلالیت خواستم و گفتم: بابا، اگه من اون طوری که تو می‌خواستی نبودم، اگه از من رنجیدی، اگه اذیت کردم، مرا حلال کن. سعی می‌کنم با وظیفه‌ای که روی دوشم گذاشتی، گذشته‌ها رو جبران کنم. (ص ۲۰۴)

- گفتم: من می‌دونم سنگینه. منتهی من هم خودم نخواستم. ناخواسته روی دوشم گذاشته شد. خوب یا بد باید تلاش کنم. بعد گفتم: لیلا دعا کن منم با شهادت برم. نگران مسئولیت

هم نباش، علی (برادر سیده زهرا) می‌یاد مسئولیت بچه‌ها رو گردن می‌گیره. (ص ۲۶۷)

- یک مقدار که آرام شد، به اعتراض بهش گفتم: اصلاً کار درستی نکردی. نزدیک بود بقیه رو هم با این کارت به کشتن بدی. (ص ۵۰۶)

توضیحات: نویسنده با درک سنگینی بار مسئولیت، با وظیفه‌شناسی و رفتار خالصانه، در زمان و موقعیت لازم به دیگران تذکر می‌دهد؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و خود را ملزم و مقید می‌داند که مسئولیتی که بر عهده‌اش نهاده شده را تا پایان به نحو مطلوبی انجام دهد.

۶-۶ خودباوری و اعتماد به نفس

- در حالی که نشسته بودم، به خودم گفتم: پس چی شد، چرا این قدر ضعیفی؟ با این نهیب درونی سعی کردم به خودم مسلط شوم. بلند شدم و به طرف غسالخانه زن‌ها رفتم. (ص ۸۱)

- به نظرم او خیلی بهتر و سریع‌تر توانسته بود با محیط غسالخانه کنار بیاید ... چون خودم هم احساس می‌کردم وجود لایلا در اینجا به من آرامش می‌دهد. حالا تنها نیستم و با اعتماد به نفس بیشتری می‌توانم کار کنم. (ص ۱۰۴)

- هر وقت به حرف‌های بابا فکر می‌کردم، انرژی می‌گرفتم ... به همین خاطر بعد از اذان ظهر با نیروی اعتماد به نفس جلو رفتم و به مریم خانم و دو زن دیگه که می‌خواستند جسد زنی را از روی زمین بردارند، گفتم: بذارید منم کمکتون کنم. (ص ۱۱۰)

توضیحات: به اعتقاد بسیاری از نظریه‌پردازان جنگ، داشتن روحیه خودباوری و اعتماد به نفس یکی از عوامل اساسی پیروزی در جنگ تحمیلی بود. نویسنده کتاب بیان می‌کند که این روحیه خودباوری چگونه از میان شیرزنان و نیروهای امدادی به سایر رزمندگان منتقل می‌شود. این مولفه در برابر هجمه‌های تبلیغات و فشارهای اقتصادی، با توجه به باورهای قوی اعتقادی بسیار تاثیرگذار بود. نویسنده تلاش می‌کند با اعتمادسازی و ایجاد جو خود باوری نیروی تازه‌ای در وجود اطرافیان ایجاد کند.

۶-۷ جسارت و قاطعیت

- آن قدر قاطع گفت که نتوانستم بگویم من این کار رو انجام نمی‌دهم. ترسیدم از مطب بیرونم کند ... و بگوید به درد این کار نمی‌خوری، برو. (ص ۳۶۹)

- باید با فرمانده‌ها صحبت کنم. می‌گفت: نمی‌شود. من می‌گفتم: کار نشد ندارد. باز مثل روزهای اول ابراهیمی را مستاصل کرده بودم. (ص ۴۳۱)

- گفت: من نمی‌تونم به اینها از گل نازک‌تر بگم. اولاً ساداتند بعد هم فرزند شهیدند. گفتم: چیزی نگي بدتره، باید قاطع برخورد کنی و یکی یه سیلی به اینها بزنی. (ص ۶۹۷)

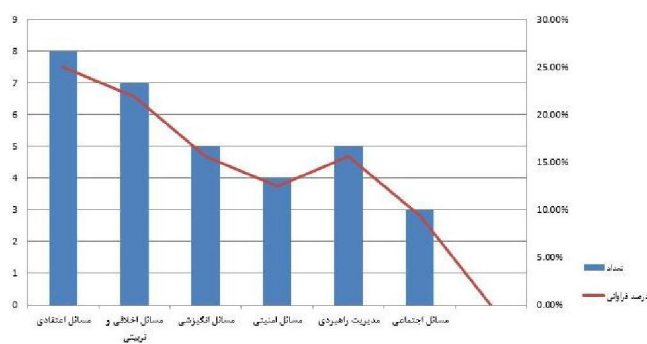
توضیحات: اینکه شخصی بتواند در بدترین اوضاع یا شرایط بحرانی با قاطعیت دستوری را صادر کند یا تصمیمی بگیرد بسیار حائز اهمیت است. در این موقعیت، زیر دستان بدون ابهام وظیفه‌ی خود را می‌شناسند و راه برای کوتاهی و مسامحه افراد بی‌انضباط بسته می‌شود.

یافته‌های پژوهش

مقاله حاضر، پژوهشی است که با هدف شناسایی مفاهیم مقاومت و پایداری بر مبنای خاطره‌نگاشته‌ی صورت گرفته است. لذا با استفاده از نظریه داده بنیاد، داده‌های مربوط به جامعه آماری (متن کامل کتاب دا) بررسی و با روش کدگذاری، مفاهیم مرتبط استخراج گردید. نظریه «ادبیات پایداری» با شناسایی مفاهیم و مؤلفه‌های مورد نظر شکل گرفت. به طور خلاصه، مؤلفه‌های ادبیات پایداری در کتاب «دا»، مجموعه‌ای است شامل: مسائل دینی و اعتقادی، مسائل اجتماعی، مسائل انگیزشی، مسائل امنیتی، مدیریت و رهبری، مسائل اخلاقی و تربیتی. در ادامه پس از طبقه‌بندی مفاهیم مرتبط، بسامد و درصد فراوانی مفاهیم در جدول و نمودار صفحه بعد تنظیم و تعداد ۳۳ مفهوم در قالب ۶ مؤلفه گردآوری شد. نتایج نشان می‌دهد که مؤلفه «مسائل اعتقادی» و «مسائل اخلاقی و تربیتی»، بیشترین فراوانی را نسبت به سایر مؤلفه‌ها دارد.

ردیف	مؤلفه	مفاهیم	بسامد	درصد فراوانی
۱	مسائل دینی و اعتقادی	عدم دلبستگی به تعلقات مادی، اعتقاد به معاد، شهادت طلبی، سخت کوشی در راه عقاید، ایمان و خدا باوری، آرامش گرفتن با ائمه اطهار، نیایش به درگاه خدا، توکل به خدا	۸	۲۵,۰۰ درصد
۲	مسائل اجتماعی	هوشیاری مردم، حضور فعال زنان، وطن پرستی	۳	۹,۳۸ درصد
۳	مسائل انگیزشی	مثبت اندیشی، تقویت روحیه رزمندگان، شادی و شادی بخشی، تجلیل از رزمندگان و تلاشگران، دلداری دادن به اطرافیان	۵	۱۵,۶۳ درصد
۴	مسائل امنیتی	موقعیت شناسی، برقراری امنیت، احتیاط و دوراندیشی، برقراری نظم و آرامش	۴	۱۲,۵۰ درصد
۵	مسائل مدیریت و رهبری	پیروی از رهبری، آموزش، ساماندهی نیروها، سرعت عمل، تامین امکانات و تجهیزات، فرمان پذیری	۵	۱۵,۶۳ درصد
۶	مسائل اخلاقی و تربیتی	از خود گذشتگی، عدم منفعت جویی، حس کمک رسانی، تحمل پذیری، وظیفه شناسی، خودباوری، قاطعیت	۷	۲۱,۸۸ درصد
	جمع کل	-	۳۳	۱۰۰ درصد

جدول ۱. مؤلفه های ادبیات پایداری در کتاب دا



نمودار ۱. فراوانی مؤلفه های ادبیات پایداری در کتاب دا

- در بخش پایانی، بر پایه مفاهیم و مؤلفه‌های گردآوری شده، گزاره‌های زیر به دست آمده است. این گزاره‌ها از تلفیق چند مفهوم یا بیان روابط چند متغیر ساخته شده است:
- (۱) در ادبیات پایداری، دفاع و مقاومت با الگوهای هم‌چون: سخت‌کوشی در راه باورها، تحمل‌پذیری در برابر سختی‌ها و داشتن روحیه شهادت‌طلبی تجلی پیدا می‌کند.
 - (۲) مقاومت و دفاع در مسیر حفظ هویت ملی، در کنار هویت دینی، امری طبیعی و روزمره نبوده، بلکه مسیری کاملاً مشخص برای رسیدن به اهداف متعالی است.
 - (۳) در ادبیات پایداری همواره تحمل سختی‌ها با رضایت‌مندی و عشقی معنوی همراه بوده و طی کردن این راه، با معنایی عمیق و شگرف، پذیرفتنی می‌شود.
 - (۴) یکی از کارکردهای اصلی دفاع و پایداری، ایجاد آرامش و شادی است. همان‌گونه که سیده زهرا در اوج سختی و ناراحتی به همه اطرافیانش روحیه می‌دهد. او قصد دارد با ایجاد فضایی شاد و صمیمی، به خانواده و دوستانش دل‌داری دهد.
 - (۵) فراگیری و کاربست بسیاری از مسائل اخلاقی و تربیتی در ادبیات دفاع و مقاومت اهمیت زیادی دارد. وقتی مفاهیمی هم‌چون: از خود گذشتگی، عدم منفعت‌جویی، حس کمک‌رسانی، تحمل‌پذیری و وظیفه‌شناسی در ذهن رزمندگان و سربازان نهادینه گردد، بدون شک تاثیر بسیار مثبتی در شکل دفاع و مقاومت ایجاد می‌کند.
 - (۶) دفاع کردن و جنگیدن در سراسر هویت وجودی خود، همواره تحت تأثیر مسائل انگیزشی هم‌چون امید بخشیدن، دادن آرامش و اعتماد به نفس به دیگران است و عملکرد رزمندگان را چندین برابر ارتقا می‌دهد.
 - (۷) در ادبیات جنگ و رمان‌های برخاسته از متن آن، رویکردهایی هم‌چون بی‌اعتباری دنیا (ناپایداری جهان)، دل‌نستن به ظواهر، غنیمت شمردن فرصت‌ها در جهت شادی و شادی‌بخشی وجود دارد و بر فضای جنگ حاکم است.
 - (۸) در ادبیات پایداری، «مثبت‌اندیشی» به عوامل محیطی و سطح رفاه زندگی ارتباطی ندارد؛ همان‌طوری که سیده زهرا در سخت‌ترین شرایط تا حد ممکن افکار منفی را از خودش دور می‌کند.
 - (۹) تاثیر رزق و روزی حلال در زندگی سیده زهرا کاملاً نمایان است؛ زندگی دنیا را

بی اعتبار می داند؛ به هیچ یک از تعلقات مادی دلبستگی ندارد و به دنبال منفعت طلبی و کسب مقام و موقعیت نیست.

(۱۰) قهرمان داستان با برانگیختن و تهییج عواطف و احساسات، نقش بسیار موثری در ایجاد روحیه ایثار و مقاومت در میان رزمندگان و خانواده خود ایفا می کند.

(۱۱) یکی از اقدامات ارزشمند سیده زهرا که خود را ملزم به اجرای آن می داند، امیدبخشی و تزریق نشاط و شادی است تا بدین وسیله روحیه مقاومت و پایداری را در بین آنان افزایش دهد.

(۱۲) سیده زهرا در گفتگوها و مباحث متعددی که مطرح می شود، بارها به شکل مستقیم و غیرمستقیم به نقش و حضور امام و رهبری اشاره می کند و بدین گونه پیام پایداری و مقاومت را به گوش همزمان خود می رساند.

(۱۳) سیده زهرا با بیان جایگاه والای شهیدان و ارزشمند دانستن شهادت در راه خدا، در پاسداشت خون شهیدان می کوشد که این عامل یکی از جلوه های ارزشمند ادبیات پایداری و مقاومت محسوب می شود.

(۱۴) سیده زهرا با یادآوری مصیبت های امام حسین (ع) و یارانش در کربلا، سختی ها و پیشامدهای ناگوار جنگ تحمیلی را در برابر آن ناچیز می داند و با این روش به خانواده و اطرافیان خود روحیه و دلگرمی می دهد.

بحث و نتیجه گیری

در این مقاله با استفاده از راهبرد «نظریه داده بنیاد»، داده های مربوط به جامعه آماری بررسی و با روش کدگذاری، مفاهیم و مؤلفه های مرتبط استخراج و طبقه بندی گردید. بررسی مفاهیم ادبیات پایداری در کتاب دا نشان می دهد که ادبیات جنگ، بازتاب باورها، اندیشه ها، اهداف و آرزوهای مردم است. آثار ادبی برگرفته از دفاع مقدس، نه تنها تکیه گاه تجربیات، رنج ها و احساسات هستند، بلکه اندیشه های دفاعی مطرح و آزموده شده در آن نیز الگویی است که می توان ضمن تحلیل مؤلفه های مربوطه، چراغ راهی را برای نسل کنونی فراهم نمود. داده های این پژوهش نشان می دهد، مواردی همچون خدا باوری، پابندی به ارزش ها

و پاسداری از انقلاب، استقامت، ولایت‌مداری، توجه به فرهنگ عمیق ملی و مذهبی و ... در رمان «دا» را می‌توان با اصول هنجاری کلان در مکتب امنیتی دفاعی جمهوری اسلامی ایران شامل: خدا بنیانی، ولایت‌نهادی، امت پایه‌ای، فرهنگ-محوری و درون‌زایی، مقایسه کرد. از سوی دیگر حاکمیت ارزش‌های الهی، مجاهدت مخلصانه در راه خدا، الگوسازی مقاومت در منطقه، بر اساس رمان «دا» را می‌توان به راهبرد مردمی کردن امنیت و دفاع در جهان اسلام تعبیر کرد. رمان «دا» از رمان‌های در تراز انقلاب اسلامی بوده که همواره بر دشمن‌شناسی، سرسختی در برابر دشمن، ایثار و از خودگذشتگی، دارا بودن عقیده راسخ، قوی و انقلابی و ترویج و تقویت فرهنگ مقاومت پس از شهادت به عنوان مولفه‌هایی از ادبیات پایداری، تأکید دارد.

فهرست منابع

ایروانی، محمدرضا؛ نکوبخت، ناصر (۱۳۹۵). «بررسی، تحلیل و نقد سبک‌شناسانه خاطره‌نگاشته «دا»، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال هشتم، شماره ۱۴، صص ۲۹ تا ۶۰. حسینی، سیده زهرا (۱۳۸۷). «دا، خاطرات سیده زهرا حسینی به اهتمام سیده اعظم حسینی. تهران: انتشارات سوره مهر.

چهرقانی، رضا (۱۳۹۶). «ادبیات پایداری در ایران» (بازشناسی مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها)، مجله ادبیات پارسی معاصر. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال هفتم، شماره دوم، صص ۱-۳۳

خضرزاده، نادر (۱۳۹۱). «بررسی شیوه وقایع نگاری داستانی ادبیات دفاع مقدس براساس کتاب «دا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه.

دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ آذر، عادل (۱۳۸۳)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت. چاپ اول. تهران: انتشار صفار شرقی.

سلیمانی، بلقیس (۱۳۷۷). ادبیات دفاع مقدس در یک نگاه؛ کتاب و جامعه. تهران: انتشارات سروش.

رحیمی، فریبا (۱۳۹۱). «نقد و بررسی عناصر داستان در کتاب دا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک.

فضیلت، محمود (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی ادبیات پایداری. تهران: بنیاد حفظ آثار و اندیشه‌های دفاع مقدس.

محسنی‌نیا، ناصر (۱۳۸۸). «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب»، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال اول، شماره اول، صص ۱۵۸-۱۴۳

محمدیان، عباس؛ رجبی، مسلم (۱۳۹۵). «جلوه‌های ادبیات پایداری در اشعار حمید سبزواری»، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال هشتم، شماره چهاردهم، صص ۲۱۵-۱۹۵

محمدعلی‌پور، کوثر (۱۳۹۱). «گفتگو در ادبیات پایداری ایران و فلسطین»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی‌سینا.

مدرسی، فاطمه؛ خجسته‌مقال، زهرا (۱۳۹۲). «جلوه‌های مقاومت و پایداری در اشعار طاهره صفارزاده»، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال پنجم، شماره ۹، صص ۳۸۲-۳۶۴

معین‌الدینی، فاطمه (۱۳۸۸). «شگردها و زمینه‌های تداعی معانی در داستان دا»، نشریه علمی-پژوهشی ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال اول، شماره اول، صص ۱۵۹ تا ۱۸۴.

Strauss. A & Corbin. J (1998), "Basics of Qualitative research: Granded Theory procedures and Thechniques", Thousand oaks, CA: sage.

